#### **آموزش نماز**

**تألیف:**

**عبدالله بن احمد بن علي الزيد**

**ترجمه‌:**

**اسحاق دبيري**/

**تقديم:**

**عبدالله حيدرى**

 **شناسنامه كتاب**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **نام کتاب:** |  | **آموزش نماز** |
| **تأليف:**  |  | **عبدالله بن احمد بن علي الزيد** |
| **ترجمه:**  |  | **اسحاق دبیری** / |
| **سال چاپ:** |  | **1392 ه‍ . ش / 1435 ه‍ . ق**  |
| **نوبت چاپ:** |  | چهارم |
| **سایت های مفید:** |  | [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)www.islamhouse.com[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)[www.islamtxt.net](http://www.islamtxt.net)www.mowahedin.com[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com) |
|  |  |  |



بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[تقديم 2](#_Toc379612467)

[مقدمه مترجم 2](#_Toc379612468)

[مقدمه 2](#_Toc379612469)

[پيشگفتار 2](#_Toc379612470)

[فضل نماز 2](#_Toc379612471)

[**طهارات و پاكيزگي 2**](#_Toc379612472)

[**نمازهاي فرض 2**](#_Toc379612473)

[**صفت و چگونگي نماز 2**](#_Toc379612474)

[**نماز جمعه 2**](#_Toc379612475)

[**نماز جماعت 2**](#_Toc379612476)

[**نماز مسافر 2**](#_Toc379612477)

[**ذکرهایی كه بعد از نماز گفته مى‌شود 2**](#_Toc379612478)

[**سنت‌هاي راتبه 2**](#_Toc379612479)

[ترجمه‌ی نويسنده‌ی اين كتاب بطور مختصر 2](#_Toc379612480)

تقديم

متاسفانه اسلام عزيز و اصول واحكام ارزشمند آن، طي چند سال، و بلكه چند دهه اخير، به ويژه در ميان مسلمانان فارسـي زبانِ افغانستان و تاجيكستان به دلیل مشکلات خاص اجتماعی به تاريكي گرایيده و شايد بتوان گفت به فراموشي سپرده شده بود. اينك فرصت فراهم آمده تا هر چه بيشتر و بهتر در اين زمينه كار و فعاليت انجام دهیم، تا راه براي فهم اصول، مزايا، و احكام مختلف اسلام هموار گردد، كه به حق، جوابگوي تمامي مشكلات بشر در همه عرصه‌هاي زندگي است.

رساله كوتاهي كه به نام «آمـوزش نماز» توسط دكتر عبدالله بن أحمد بن علي الزيد ـ حفظه الله ـ به زبان عربي نگاشته شده، و برادر عزيزمان آقاي اسحق دبيري آن را به زبان فارسي برگردانده، گام مثبتي در همين راستاست.

آقاي دبـيري از جوانان آگاه و فعالي است كه شديداً علاقه‌مند خدمت به اسـلام عزيز است و به ويژه در باب تأليف و ترجمه به زبان فارسي، شـوق و علاقه خاصي دارد. وی علاوه بر رساله «آمـوزش نماز» چند رساله مفيد ديگر نيز نگاشته و يا ترجمـه كرده است كه هم اكنـون زيـر چاپ هستند؛ از جمله:

1- مختصري از مناسك و راهنماي حج (تأليف)؛

2- قبر: عذاب و خوشي آن (ترجمه)؛

3- نامه‌اي برادرانه (ترجمه)؛

4- خداشناسي براي خردسالان (تأليف)؛

5- وجوب عمل به سنت رسولص و كفر كسي كه آن را انكار كند (ترجمه)؛

6- واجباتي كه بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروري است (ترجمه)، و بسیاری غير از اينها.

بنده به عنوان يك طلبه مبتدي زبان فارسي، از ايـن حرکت نيك بسيار خوشحالم، و از اينكه آقاي دبيـري اين بنده ناچيز را شایسته دانسته كه این اثر را مراجعه و اظهار نظر نمايم، خوشحال‌تر.

پس قدم گذاشتن فعالانه شيخ اسحق دبيري را به عرصه خدمت به مسلمانان فارسي زبان، به ايشان و خـوانندگانشان تبريك عرض مى‌كنم و از خداوند متعال خواستارم به ايشان توفيق بيشتر و بهتر نوشتن، و به خوانندگان ايشان توفيق خواندن و عمل كردن و رسـاندن عنايت فرمايد، و به ديگر كساني كه ذوق و علاقة خدمت به اسلام و امت اسـلامي را دارند نيز همت و حوصله عطا نمايد؛ به ويژه در عـرصه ترجمـه و تأليـف به زبان فارسـي. به اميـد آنكه إن‌شـاءالله شـاهد پاگذاشتن جـوانان فعال ديگري در ايـن ميدان باشيم.

عبدالله حيدري

28/5/1377هجري شمسي

26/4/1419هـجري قمري

مقدمه مترجم

**الحمد لله الذي فرض الصلاة على عباده وأمرهم بإقامتها وحسن أدائها وعلَّق النجاح والفلاح بالخشوع فيها وجعلها فرقاناً بين الإيمان والكفر وناهية عن الفحشا والمنكر والصلاة على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين، أما بعد:**

نماز ركن دوم اسلام و از مهمترين ركن بعد از شهادتين به شمار مى‌رود. خداوند مى‌فرمايد:

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ﴾ [النحل: 44].

«و به تو قرآن نازل كرديم تا براي مردم روشن سازي آنچه را كه بر آنان فروفرستاده شده است».

پس رسول اللهص اين امانتي كه بر دوش او بود بطور كامل به مردم رسانده و نماز بزرگترين عبادتي است كه براي مردم بيان فرموده، هم با قول و هم با فعل؛ به طوری كه نقل شده که ایشان بالاي منبر نماز خواند تا مـردم از او چگونگي نماز را بياموزند و فرمود:

**«إِنَّمَا صَنَعْتُ هَذَا لِتَأْتَمُّوا بِي، وَلِتَعْلَمُوا صَلَاتِي»** [متفق عليه]

«من اينكار را كردم تا اينكه شما از من پيروي كنيد و چگونگي نماز خواندن را ياد بگيريد».

رسـول اللهص فرمودنـد:

**«إنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الصَّلَاةُ الْـمَكْتُوبَةُ، فَإِنْ أَتَمَّهَا، وَإِلَّا قِيلَ: انْظُرُوا هَلْ لَهُ مِنْ تَطَوُّعٍ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ تَطَوُّعٌ أُكْمِلَتِ الْفَرِيضَةُ مِنْ تَطَوُّعِهِ، ثُمَّ يُفْعَلُ بِسَائِرِ الْأَعْمَالِ الْـمَفْرُوضَةِ مِثْلُ ذَلِكَ»** [أبوداود وابن ماجه]

«اولين چيزي كه بنده مسلمان در روز قيامت در مورد آن بازخواست مى‌شود، نماز است. پس اگر آن را به طور كامل ادا كرد، كه خوب است، وگرنه خداوند به فرشتگان خود مى‌فرمايد: (در حاليكه او بهتر مى‌داند) نگاه كنيد آيا بنده من نماز سنت و نافله‌اي هم دارد؟ پـس اگر علاوه بر فريضه، نماز نفل و سنتي داشت، فريضه‌اي را كه در آن نقص وجود دارد با آن سنت و نافله كامل مى‌كنند؛ سپس به همين ترتيب به بقيه اعمال وي حسابرسي مى‌شود».

پس نماز، سرمايه هر مسلمان بشمار مى‌رود؛ زيرا تمامي اعمال و كردار او وابسته به قبول شدن، يا رد شدن نماز اوست؛ همچنانكه تاجر اگر سرمايه نداشته باشد نمى‌تواند تجارت كند تا سودي ببرد، و اين، دلالت بر بزرگيِ منزلت نماز در اسلام دارد.

پس كسي كه آرزوي ملاقاتِ خداوند را دارد نبايد از اداي آن كسالت ورزد، زيرا نماز، تشخيص‌دهنده و بيان كنندة حد فاصل بين اسلام و كفر است، و ستون اسلام به شمار مى‌رود و به جز آن بر چيزي ديگر استوار نخواهد ماند.

پيامبر اسـلامص ما را به پيروي از خود امر فرموده، و اين پيروي را بر ما واجب كرده است، چنانكه مى‌فرمايند:

**«صَلُّوْا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»** [بخاري].

«طوري نماز بخوانيد كه ديديد من نماز مى‌خوانم».

آن بزرگوار به كسي كه مانند او نماز بخواند بشارت داده كه خداوند عهد و پيمان كرده است گناهان او را ببخشد، چنانكه مى‌فرمايد:

**«خَمْسُ صَلَوَاتٍ افْتَرَضَهُنَّ اللَّـهُ عَزَّوَجَلَّ مَنْ أَحْسَنَ وُضُوهُنَّ، وَصَلَّاهُنَّ لِوَقْتِهِنَّ، وَأَتَمَّ رُكُوعَهُنَّ وَخُشُوعَهُنَّ، كَانَ لَهُ عَلَى اللَّـهِ عَهْدَاً أَنْ يَغْفِرَ لَهُ، وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللَّـهِ عَهْدٌ، إِنْ شَا غَفَرَ لَهُ، وَإِنْ شَا عَذَّبَهُ»** [أبوداود]

«خداوند پنج نماز بر بندگانش فرض نموده است. كسي كه به طور كامل وضو بگيرد و به وقتِ آن، نمازها را ادا كند و ركوع و سجود و خشوع و خضوع آنها را بطور كامل انجام دهد، خداوند تعهد كرده است كه گناهان او را ببخشايد، و كسي كه آن را انجام ندهد خداوند تعهدي ندارد كه گناهان او را ببخشد؛ اگر خواست گناهان او را مى‌بخشد، وگرنه او را عذاب مى‌دهد».

لذا با در نظر داشت اين اهميتِ فـوق العاده، ما اين رساله مختصر را كه در همين باب نوشته شده براي مسلمانان فارسي زبان ترجمه كرديم تا به اهميت آن پي ببرند و چگونگي اداي نماز را بياموزند و آن را بطور كامل ادا كنند.

إسحاق بن عبدالله دبيري

رياض 29/1/1419هجري قمري

مقدمه

**الحمد لله وحـده والصـلاة والسـلام على رسول الله محمد بن عبدالله صلى الله عليه وآله وسلم وبعد:**

چندين بار از من خواسته شد تا كتابي مختصر و جامع در باره ركن دوم اسـلام، كه نماز است، بنويسم؛ كتابي که در برگيرندة امور اساسي آن بوده و در عين حال، قابليت ترجمه به زبانهاي ديگر را نيز داشته باشد.

لذا پس از جمع كردن و بررسي كتاب‌هایي كه در باره نماز نوشته شده، برايم واضح گرديد كه هر كتابي در يكي از قسمت‌هاي نماز سخن مى‌گويد.

بعضي از آنها در باره صفت و چگونگي اداي نماز نوشته شده، و به اهميت و فضل نـماز نپرداخته؛ بعضی ديگر، مسائل اختلافي را كه براي نوآموزان لازم نيست شرح داده است. پس لازم دانستم مسایل مهمي را كه انجام دادنِ آن بر هر مسلمان واجب است، با ارائه دلايل شرعي از قرآن كريم و سنت رسول اللهص جمع آوري كنم و پژوهش‌هاي طولاني و مسایلي را كه در آن اختلاف وجود دارد، ترك كنم و اختصار و جامعیت موضوع را نیز در نظر بگیرم، تا اينكه به فهم هر خواننده‌اي نزديك باشد و بتوان آن را به زبان‌هاي ديگر نيز ترجمه نمود.

از خداوند متعال خواستارم كه نفع آن را به همگي برساند و خداست شنوا و اجابت كننده دعاها.

والله الموفق

رياض 1/1/1414هـ

د. عبدالله بن أحمد الزيد

پيشگفتار

 در صحيحين از رسول اكرمص ثابت است كه فرمودند:

**«بُنِيَ الإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّـهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَا الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ البَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»** [متفق عليه].

اين حديث شريف شامل اركان پنجگانه اسلام است كه عبارتند از:

«ركن اول: گواهي دادن كه خدایي بحق نيست، مگر خداي يكتا، و محمدص رسول و فرستاده خداست.

معني شهات «لا إله إلاَّ الله»: يعني «معبود و خالق بحقي نيست، مگر خداي يكتا و يگانه.». پس «لا إله» تمامي آنچه غير از خدا عبادت مى‌شود نفي مى‌كند و «إلاَّ الله» عبادت خداي يكتایي را ثابت مى‌كند كه هيچ شريكي ندارد؛ چنانكه خداوند مى‌فرمايد:

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨﴾ [آل عمران: 18]

«خداوند كه به عدل (همه امور هستي) را تدبير مى‌كند و فرشتگان و عالمان، گواهي دهند كه معبود(حقي) جز او نيست. (آري) معبود(حقي) جز او(كه) پيروزمندِ فرزانه است، نيست».

پس مقتضاي شهادت «لا إله إلاَّ الله» اعتراف كردن به سه چيز است:

**نخست: توحيد الوهيت** فقط براي خداي يكتاست؛ و آن عبارت است از: يكتا دانستنِ خداوند به تمام عبادت‌ها، و عدم اعتقاد چيزي از آن براي غير از

او. اين توحيد ألوهيت چيزي است كه خداوند مخلوقات را به سبب آن آفـريده چنانكه مى‌فرمايد:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاريات: 56].

«جن و إنس را جز براي آنكه مرا بندگي كنند نيافريده‌ام».

و همين ـ ألوهيت ـ است كه خداوند پيامبران را بسبب آن فرستاده، و كتاب‌ها را نازل فرموده است؛ چنانكه مى‌فرمايد:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: 36]

«و به يقين در (ميان) هر امتي رسولي را برانگيختيم، (با اين دعوت) كه خداوند را بندگي كنيد و از طاغوت بپرهيزيد».

پس شرك، ضد توحيد است؛ بنابراین معناي «توحيد»، تمام عبادت‌ها را فقط از آن خـدا دانستن است، و «شرك»، انجام چيزي از عبادت‌ها براي غير خداست.

هر کس كه بدون اكراه چيزي از انواع عبادت، اعم از نماز، روزه، نذر، قرباني، يا طلب مدد را براي غير خدا انجام دهد، خواه صاحب قبر باشد یا غير از آن، به خـدا شرك آورده و براي او شريك قائل شده است.

شرك بزرگ‌ترين گناهان است، زیرا تمامي اعمال و كردار را محو و نابود مى‌كند، و كسي كه به شرك آلوده شود، مال و جان او مباح است.

**دوم: توحيد ربوبيت،** که عبارت است از اعتقاد داشتن به اينكه خداوند، خالق همة مخلوقات و روزي‌دهندة آنهاست، و اوست كه به آنها زندگي بخشیده و سپس مى‌ميراند و او تدبيركننده‌اي است كه ملكيتِ آسمان‌ها و زمين از آنِ اوست.

اقرار نمودن به اين نوع توحيد، جزو فطرتی است كه خـداوند بنده را بر اساسِ آن آفريـده است، و همه انسانها، حتي مشركينی كه پيامبر اسـلامص در بين آنان مبعوث شده بود، به اين نوع توحيد اقرار داشتند، و آن را انكار نمى‌كردند؛ چنانكه خداوند مى‌فرمايد:

﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣١﴾ [يونس: 31]

«بگو: چه كسي از آسمان و زمين به شما روزي مى‌دهد، يا كيست كه حاكم بر گوش و ديدگان است؟ و كيست كه زنده را از مرده بيرون مى‌آورد، و مرده را از زنده بيرون مى‌آورد؟ و كيست كه كار(هستي) را تدبير مى‌كند؟ خواهند گفت: خدا. پس بگو: آيا پروا نمى‌كنيد؟».

و هيچكس از انسانها اين توحيد را انكار نمى‌كند، بجز عده‌اي کم‌شمار از بشر، كه ظاهراً آن را انكار، اما در باطن به آن اعتراف می‌کنند، و اين انكارشان فقط از روي لجاجت و گردنكشي است؛ چنانكه خداوند مى‌فرمايد:

﴿وَجَحَدُواْ بِهَا وَٱسۡتَيۡقَنَتۡهَآ أَنفُسُهُمۡ ظُلۡمٗا وَعُلُوّٗا﴾ [النمل: 14]

«و آن(ها) را در حالي كه دلهايشان آن(ها) را باور داشته بود، از روي ستم و سركشي انكار كردند».

**سوم: توحيد اسماء و صفات خـداوند**، كه عبارت است از ايمان داشتن به آنچه خـداوند خود را به آن توصيف فرموده، يا به آنچه رسول اللهص خداوند را به آن وصف فرموده است، و ثابت كردن آن به صورتي كه شايسته و لايقِ عظمت و كبريای بارى تعالي باشد؛ بدون بيان كيفيت چگونگي آن، بدون آوردن مثال براي آن، و بدون شبيه كـردن به چيزي، بدون تحريف و تغيير دادن نص و معناي آن، و بدون انكار اسم و صفتي از اسم‌ها و صفات‌هاي خداوند؛ چنانكه مى‌فرمايد:

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف:180].

«و خداوند نامهاي نيك دارد. پس به آن(نامها) او را به(دعا) بخوانيد».

و همچنان مى‌فرمايد:

﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١١﴾ [الشورى: 11].

«چيزي مانند او نيست. و او شنواي بيناست».

پس «لا إله إلاَّ الله» اعلان‌كردن و اقرارنمودن است به اين سه نوع توحيد، و هر كسي كه آن را بگويد در حالیكه معناي آن را بداند، و به مقتضا و ضروريات آن از قبيل نفي شرك و اثبات يگانگي خداوند عمل كند، او مسلمان حقيقي است؛ و كسى كه آن را بگويد و به معني و ضروريات آن ظاهراً عمل كند و در باطن آن را انجام نداده و به آن اعتقاد نداشته باشد، منافق است؛ و كسى كه با زبان بگويد اما كردارش مخالف مقتضا و ضروريات آن باشد، كافر است، اگر چه بارها آن را تكرار كند.

معناي شهادت **«محمد رسول الله»** ايمان و تصديق به رسالت محمد است، و چيزى كه محمدص آن را از نزد خـداوند آورده كه اين ايمان و تصدیق، بايد با انجام‌دادن و اطاعت‌كردن از اوامر او، و دوري‌جستن از آنچه كه از آن نهي فرموده همراه باشد، و اينكه تمامي عبادت‌هاي انسان، مطابق و موافق فرمايش رسول خـداص باشد، چنانكه خداوند مى‌فرمايد:

﴿لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١٢٨﴾ [التوبة: 128]

«بى گمان رسولي از خودتان به سوي شما آمد، رنجتان بر او دشوار، بر شما حريص(و) به مؤمنان رئوفِ مهربان است»،

و همچنان مى‌فرمايد:

﴿مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَ﴾ [النساء: 80]

«هركس از رسول(خدا) اطاعت كند، در حقيقت از خداوند فرمان برده است»،

و مى‌فرمايد:

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٣٢﴾ [آل عمران: 132]

«و از خداوند و رسول(او) فرمان بريد، باشد كه مشمول رحمت قرار گيريد»،

و مى‌فرمايد:

﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡ﴾ [الفتح:29]

«محمد رسول خداست و كسانى كه با اويند بر كافران سخت گير و در ميانِ خود مهربانند».

**ركن دوم و سوم: اداي نماز، و دادن زكات** است چنانكه خداوند متعال مى‌فرمايد:

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥﴾ [البينة: 5].

«و فرمان نيافتند جز آنكه خدا را ـ در حالى كه پرستش را براي او خالص ساخته‌اند با پاكدلي(دين ورز به آيين ابراهيمي) ـ بپرستند و نماز بر پا دارند و

زكات بپردازند و اين است آيين راستين»،

و مى‌فرمايد:

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣﴾ [البقرة: 43].

«و نماز برپاي داريد و زكات بپردازيد و با ركوع كنندگان ركوع كنيد».

نماز همان چيزي است كه ما در صدد و قصد بيان آن هستيم؛ و زكات، آن چيزي است كه از اموال ثروتمندان گرفته مى‌شود و میان مستمندان و ديگر مستحقانِ آن توزيع مى‌گردد. اين اصل و قاعدة بزرگي از اصول اسلام است كه به وسيله آن، هماهنگي و همبستگي در جامعه اسلامي به وجود مى‌آيد، و افراد آن به يکديگر كمك و ياري مى‌دهند؛ لذا مى‌بينيم كه براي فقير در آنچه در دست ثروتمند است، حقي داده شده؛ بدون اينكه ثروتمند بر فقير منّت بگذارد.

**ركن چهارم: روزه ماه مبارك رمضان** است؛ چنانكه مى‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣﴾ [البقرة: 183].

«اي مؤمنـان، روزه بر شما مقرر شده است، چنانكه بر پيشينيانتان مقرر شده بود، باشد كه تقوي پيشه كنيد».

**ركن پنجم: حج و زيارت خانة خداوند** است براي كسي كه استطاعت آن را داشته باشد.

چنانكه خداوند مى‌فرمايد:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩٧﴾ [آل عمران: 97]

«و براي خداوند حج خانه(كعبه) بر(عهده) مردم است، (البته) كسى كه بتواند سوي آن راه برد. و هركس كفر ورزد، (بداند) كه خداوند از جهانيان بى نياز است».

فضل نماز

از آنچه گذشت معلوم مى‌شود كه نماز شأن و منزلت بزرگي در اسـلام دارد و ركن دوم از اركان اسلام است كه اسلام شخص، صحيح و کامل نمى‌شود مگر با اداي آن. نیز دانستیم که كسالت و سستی در نماز، از صفات منافقين است، و تـرك آن، كفر و گمراهي و خـروج از دايره اسلام است؛ چنانكه رسـول گراميص مى‌فرمايد:

«**بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكَ الصَّلَاةِ**» [مسلم]

«بين مرد و بين شرك آوردن و كافر شدن ترك كردن نماز است».

و همچنين ص مى‌فرمايد:

**«اَلْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ»** [ترمذي].

«فرق بين ما مسلمانان و بين كافران و مشركين نماز است؛ پس كسي كه آن را ترك كند كافر مى‌شود».

نماز پايه و اساس اسـلام است و واسطه بين بنده و خداست؛ چنانكه رسول اللهص در حديث صحيح مى‌فرمايد:

**«إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى يُنَاجِي رَبَّهُ»** [بخاري]

«هر يك از شما وقتي نماز مى‌خواند با خداوند مناجات مى‌كند».

نماز عـلامت محبت و دوستي بنده با خـدا و قدرداني او از نعمت‌هايش مى‌باشد. از بزرگي شأن و منزلت نماز نزد خداوند اين است كه اولين فريضه‌اي است كه بر پيامبرص واجب شده، و فرض‌شدنِ آن بر اين امت، در آسمان در شب اسرا و معراج بوده است.

هنگامی که از رسول خداص سؤال شد که بهترين اعمال كدام است، آن حضرتص فرموند:

**«الصَّلاَةُ عَلَى وَقْتِهَا»** [متفق عليه]

«اداي نماز در اوقات آن».

خداوند نماز را باعثِ پاكي از گناهان و كارهاي ناشایست قرار داده است؛ چنانكه رسـول خداص مى‌فرمايد:

**«أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، هَلْ يَبْقَى مِنْ دَرَنِهِ شَيْ؟ قَالُوا: لَا، قَالَ: كَذَلِكَ الصَّلَوَاتِ الْـخَمْسِ، يَمْحُو اللهُ بِهِنَّ الْـخَطَايَا»** [متفق عليه]

«ببينيد اگر جوي آبي بر درب خانه يكي از شما جاري باشد و هر روز پنج بار در آن خودش را بشويید، آيا از چرك و پليدي بدن او چيزي باقي مى‌ماند؟ صحابه گفتند: خير. آنحضرتص فرمود: همچنين نمازهاي پنجگانه كه خداوند بوسيله آن خطاها و گناهان را محو و نابود مى‌كند [همین طور است]».

در حـديث آمده كه آخرين وصيت رسول اللهص براي امت و آخرين سفارش ايشان در وقت وداع‌گفتن اين دنيا و رفتن به سوي آخرت اين بود كه فرمودند:

«در اداى نماز، وحقوق بردگان از خـدا بترسيد، يعني به آنان احسان و نيكي كنيد». [أحمد ونسائي وابن ماجه].

خداوند در قرآن امر نماز را بسيار بزرگ شمرده و نماز و اهل نماز را شرافت بخشيده، در مواضع بسيار زيادي از قرآن كريم آن را ياد فرموده و به طور خصوصي به آن سفارش نموده است, از جمله:

﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ ٢٣٨﴾ [البقرة: 238]

«بر(گزاردن) نمازها و(به ويژه) نماز ميانه (عصر) پايبند باشيد و براي خداوند فروتنانه(به عبادت) بايستيد».

و همچنين خداوند مى‌فرمايد:

﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَر﴾ [العنكبوت: 45]

«و نماز را بر پاى دار كه نماز از(كارهاي) ناشايست و ناپسند باز مى‌دارد»،

باز مى‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٣﴾ [البقرة: 153]

«اي مؤمنان، از بردباري و نماز مدد بجوييد، كه خدا با بردباران است»،

و همچنين مى‌فرمايد:

﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا ١٠٣﴾ [النساء:103]

«كه نماز بر مؤمنان واجبي زماندار است».

خداوند بر كسى كه نماز را ضايع و پايمال كرده و آن را ادا نمى‌كند، عذابي دردناك واجب نموده و مى‌فرمايد:

﴿فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيًّا ٥٩﴾ [مريم: 59]

«آنگاه پس از آنان ناخلفاني جانشين شدند كه نماز را ترك كردند و از خواسته ها(ي نفساني) پيروي كردند. پس(كيفر) گمراهي را خواهند يافت».

پس بر هر مسلمان واجـب است كه بر نمازش محافظت و پايبندي كند، و همچنانكه خداوند آن را فرض نموده، در اوقات خـودش آن را ادا كند، با اين نیت كه اين عبادت، به شكل درست، اطاعت از خدا و رسول خداست، و بداند كه در صورت تخلف، به خشم و غضبِ دردناك و عقاب خداوندي گرفتار خواهد شد.

\*\*\*

طهارات و پاكيزگي

طهارت و پاكيزگي، پاكي بـدن و لباس و جـايگاه خـواندنِ نماز را در بر مى‌گيرد. طهارت بدن به دو چيز حاصل مى‌شود:

1ـ غسل: از جنانب و حيض(عادت ماهانه) و نفاس (خـوني كه بعد از وضع حمل مى‌آيد) كه با ريختن آب بر تمامي جسم و موي سر با نيّت طهارت، حاصل مى‌گردد؛

2ـ وضو: خداوند مى‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قُمۡتُمۡ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ فَٱغۡسِلُواْ وُجُوهَكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ إِلَى ٱلۡمَرَافِقِ وَٱمۡسَحُواْ بِرُءُوسِكُمۡ وَأَرۡجُلَكُمۡ إِلَى ٱلۡكَعۡبَيۡنِ﴾ [المائدة: 6]

«اي مؤمنان، چون به (قصد) نماز برخيزيد، روي خود و دست‌هايتان را تا آرنج‌ها بشوييد وسرتان را مسح كنيد و پاهايتان را تا دو كعب([[1]](#footnote-1)) (قوزك) بشوييد».

اين آيه كريمه شامل اموري است كه مراعات‌نمودنِ آن در وقت وضو واجب است:

1 ـ شستن صورت، كه مضمضه و استنشاق نيز جزو صورت شمرده مى‌شوند، يعني شست‌وشويِ دهان و بيني به وسيلة داخل‌كردن آب در آنها؛

2 ـ شستن دو دست تا آرنج؛

3 ـ مسح كردن تمامي سر، كه گوش‌ها نيز جزو آن است؛

4 ـ شستن دو پا تا قوزك (شتالنگ ، بجلك).

پاكيزگي لباس و جايگاه اداي نماز، اين است كه آنها را از نجاست‌ها، مانند ادرار و مدفوع انسان و مانند آن، پاك نمود.

\*\*\*

نمازهاي فرض

نمازهاي فرض بر مسلمان در هر شبانه روز پنج وقت است كه عبارتند از: نماز صبح، كه آن را نماز فجر يا بامداد گويند؛ نماز ظهر، نماز عصر، نماز مغرب، و نماز عشاء يا خفتن.

1 ـ نماز صبـح: دو ركعت است و وقت آن از طلوع فجر صادق يعني فجر دوم ـ روشني‌ای كه در آخر شب از جهت مشرق مى‌آيد ـ تا طلوع آفتاب.

2 ـ نماز ظهر: چهار ركعت است و وقت آن از اول زوال (مايل شدن) آفتاب از وسط آسمان شروع مى‌شود و تا هنگامي كه سـايه هـر چـيز عـلاوه از سـايـه اصلي آفتـاب يك بـرابـر آن شود ادامه دارد([[2]](#footnote-2)).

3 ـ نماز عصر: چهار ركعت است و وقت آن بعد از انتهاي وقت نماز ظهر شروع مى‌شود تا اينكه سايه هر چيز دو برابر آن شود (و وقت ضرورت) تا قبل از غروب آفتـاب، كه رنگ آن زرد شود ادامه دارد.

4 ـ نماز مغرب: سه ركعت است و وقت آن از غروب آفتاب شروع شده و تا ناپديد‌شدن شفقِ سرخ ادامه دارد.

5 ـ نماز عشـا چهار ركعت است و وقت آن بعد از انتهاي وقت مغرب تا يك سـوم شب و يا نيمه اول شب ادامه پيدا مى‌كند.

صفت و چگونگي نماز

بعـد از آنکه طهارت و پاكيزگيِ بـدن و محل نماز، با صفتي كه ذكر كرديم انجام گرفت، و مسلمان از رسیدنِ وقت نماز مطمئن شد، به طرف قبله، كه خـانه خـدا در مكـه است، ايستاده و براي هر نمازي كه مى‌خواهد بخواند- اعم از فريضه و سنت و نافله- در قلب خود نيت مى‌كند([[3]](#footnote-3)) و سپس اعمال زیر را انجام مى‌دهد:

1 ـ در حاليكه به سجده‌گاه خود مى‌نگرد تكبير تحريمه «الله اكبر» مى‌گويد؛

2 ـ در هنگام گفتن تكبير تحريمه، هر دو دست خود را تا برابر دو شانه و يا مقابل گوش‌ها بالا مى‌برد؛

3 ـ سنت است كه بعد از تكبير تحريمه، دعاي استفتاح نماز را بخواند([[4]](#footnote-4)) و بگويد:

**«سُبْحَانَكَ اللَّـهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرَكَ»**

«بار إلها! ما تو را منزه مى‌دانيم، و تو را حمد و سپاس مى‌گویيم، و نام تو را برتر مى‌دانيم و هيچ معبـود بر حقي غير از تو وجود ندارد»،

و اگر بخواهد می‌تواند اين دعا را بخواند:

**«اللَّـهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْـمَشْرِقِ وَالْـمَغْرِبِ، اللَّـهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّـهُمَّ اغْسِلْنِي مِنْ خَطَايَايَ بِالْـمَا وَالثَّلْجِ وَالْبَرَد»**

«بار الها، همچنان كه بين مشرق و مغرب فاصله ايجاد كردي، بين من و گناهانم فاصله ايجاد كن. پروردگارا، همچنان كه لباس سفيد از چرك پاك مى‌شود، مرا از گناهانم پاك گردان. خداوندا، مرا از گناهانم با آب و يخ (برف) و تگرگ شست‌وشو ده»؛

4 ـ سپس مى‌گويد:

**«أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»**

«پناه مي‌برم به خدا از شر شيطان ملعون و نفرين شده، بنام خداوند بخشاينده مهربان».

سپس سوره فاتحه را قراءت مى‌كند:

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ١ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧﴾ و بعد از آن مى‌گويد: «آمين»،

«ستايش خداي راست، پروردگار جهانيان بخشاينده مهربان خداوند روزِ جزا تنها تو را بندگي مى‌كنيم، و تنها از تو ياري مى‌جوييم ما را به راهِ راست ره نما راه كسانى كه به آنان انعام كرده‌اي(راه پيغمبران و صدّيقان و شهيدان و صالحان)، نه آنان كه مورد خشم قرارگرفته‌اند(يهود)، و نه راه گمراهان(نصاري)». «آمـين» دعاي ما را بپذير، و ما را به راه راست پايدار گردان؛

5 ـ سپس سوره‌اي از سوره‌هاي قرآن كه آن را حفظ دارد قرات مى‌كند؛ مانند:

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾ [الإخلاص: 1- 4]

«بگو: خداوند است كه يگانه است  خداوند بى نياز است نه(فرزند) زاده، و نه زاده شده است و هيچ كس همتاي او(نبوده) و نيست»،

يا سوره:

﴿إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ١ وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ٢ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا ٣﴾ [المسد: 1- 3]

«چون نصرتِ الهي و فتح فرا رسد و مردم را ببيني كه گروه گروه در دينِ خدا درمى آيند پس پروردگارت را با ستايش(او) به پاكي ياد كن و از او آمرزش بخواه. بى گمان او توبه پذير است»؛

6 ـ بعد از آن به ركـوع رفته مى‌گويد: «الله اكبر» و دو دست خود را بر زانوي خود مى‌گذارد و مى‌گويد:

**«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»**

«پاك است پروردگار بزرگ من»،

و سنت است كه سه بار يا بيشتر آن را تكرار كند؛

7 ـ سپس سر را از ركوع بلند كرده مى‌گويد:

**«سَمِعَ اللَّـهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»**

«خدا مى‌شنود ـ و مى‌پذيرد ـ ستايش كسيكه او را ستايش نمايد»، خواه إمام باشد و يا منفرد (تنهاگذار)،

و بعد از راست شدن و آرام گرفتن از ركوع مى‌گويد:

**«رَبَّنَا وَلَكَ الحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ مل السموات ومل الأرض ومل ما بينهما ومل ما شئت من شي بعد»**

«اي پروردگار ما! ستايش حقيقي ويژه تو است، بيشترين و بهترين و مباركترين حمد و سپاسي كه آسمان‌ها و زمين، و آنچه بين آن دو است، و آنچه تو خواهي پر شود از آن»،

اما اگر مقتدي باشـد در اين هنـگام مى‌گويد:

**«رَبَّنَا وَلَكَ الحَمْدُ...»** تا آخر اين دعا؛

8 ـ سپس سـجـده كرده مى‌گويـد: «الله أكبر» و بر اعضاي هفتـگانه خود سـجده مى‌كند كه عبارتنـد از: پيشاني با بيني، كف هر دو دست، هر دو زانو، و سر انگشتان دو پا، و مى‌گويد:

**«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»**

«پاك است پروردگار بزرگ من».

سه بار و يا بيشتر آن را تكرار مى‌كند، علاوه بر آن هر چه دوست داشت مى‌تواند دعا كند؛

9 ـ سپس در حالي كه سر خود را از سجـده بلند مى‌كند مى‌گويـد: «الله اكبر». آنگاه بر پاي چپ خود مى‌نشيند و پاي راستش را نصب مى‌كند و دست‌هايش را روي ران و زانويش مى‌گذارد و مى‌گويـد:

**«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَعَافِنِي وَارْزُقْنِي وَاهْدِنِي وَاجْبُرْنِي»**.

«اي پروردگار من! از گناه و تقصيراتم درگذر، و بـه من رحم كن، و مرا عافيت ده، و مرا روزي عطا كن، و مرا هدايت فرما.

منظور از «واجبرني» آنچه بر انسان مى‌گذرد از نقص در بـدن، مانند مريضي و امثال آن، و در دين، مانند كوتاهي كردن در اوامر و دستورات، و افراط (زياده روي) در محظورات، خداوند آن را جبران فرمايد؛

10 ـ سپس در حالى كه «الله اكبر» مى‌گويد سجـده دوم را به جا مى‌آورد، آنچه در سجده اول انجام داده در سجده دوم نيز تكرارش مى‌كند؛

11 ـ سپس «الله اكبر» گويان براي ركعت دوم بلند مى‌شود، بدين ترتيب، ركعت اول تمام مى‌شود؛

12 ـ سپس سوره فاتحه و يك سوره (يا چند آيه ديگر) از قـرآن مى‌خواند و به ركوع مى‌رود، از ركـوع بلند مى‌شود سپس عيناً مانند اول دو سجده مى‌كند.

13 ـ بعد از بلند شدن از سجـده دوم همچنانكه بين دو سجده نشسته بـود، مى‌نشيند و آنگاه «التحيات» را به اين ترتيب مى‌خواند:

**«التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّـهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّـهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»**.

يعني: «تمام تعظيم‌ها و نمازها و ساير پاكيها فقط از آن خداست، سلام و رحمت و بركات خدا بر تو باد اي پيامبر، و سلام بر ما باد و بر بندگان نيكوكار خدا، گواهي مى‌دهم كه جز خداي بر حـق معبودي نيست، و گواهي مى‌دهم كه محمد رسول و فرستاده اوست»،

سپس اگر نماز دو ركعتي بود مانند نماز صبـح و جمعه و هر دو عيد، همچنان به نشستن خود ادامه مى‌دهد و نمازش را با خواندن اين درود كامل مى‌كند:

**«اللَّـهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»**.

«بار إلها، درود و رحمت نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنانكه بر إبراهيم و آل إبراهيـم رحمت فرستادي، تو ستايش شده و بزرگوار هستي). (پروردگارا، بركت نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنانكه بر إبراهيم و آل ابراهيـم بركت نازل فرمودي، تو ستايش شده و بزرگواري». و از چهار چيز به خداوند پناه مى‌برد:

«**اللهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْـمَحْيَا وَالْـمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْـمَسِيحِ الدَّجَّالِ**».

«خداوندا، من به تو پناه مى‌برم از عـذاب دوزخ، و عـذاب قبر، وفتنه زندگي و برزخ، و فتنه مسيح دجال».

سپس آنچه از خير دنيا و آخرت بخواهد دعا مى‌كند، چه اينكه در نماز فرض، و چه در نماز سنت و نفل باشد.

آنگاه بسوي راست و چپ سلام مى‌دهد:

**«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ الله»**.

اگر نماز سـه ركعت باشد مانند نماز مغرب، و يا چهار ركعت باشد مانند نمازهاي ظهر و عصر و عشاء، بعد از التحيات «الله اكبر» گويان بلند مى‌شود و فقط سوره الفاتحه را تلاوت مى‌كند، سپس مانند دو ركعت اول ركوع و سجود مى‌كند، در ركعت چهارم نيز به همان ترتيب، بجز اينكه در وقت نشستن بطور متورك مى‌نشيند؛ يعني پاي چپ خـود را زير پاي راست گذاشته و نشیمنگاهِ خود را بر زمين مى‌گذارد و پاي راست خود را نصب مى‌كند. آنگاه بعد از ركعت سوم در نماز مغرب، و بعد از ركعت چهارم در نمازهاي ظهر و عصر و عشـاء، تشهد اخير را مى‌خواند و بر پيامبرص درود مى‌فرستد و اگر خواست دعا مى‌كند. سپس به دو طرفش مثل اول سلام مى‌ده.، بدين ترتيب، تا اينجا نمازش تمام شده است.

\*\*\*

نماز جمعه

 دين اسلام اجتماع را دوست دارد و به اجتماع و هماهنگي دعوت مى‌كند و تفرقه را ناپسند مى‌شمارد و از آن تنفر و دوري مى‌جويد. هيچ فرصتي از فرصتهاي آشنائي متقابل و أُنس گرفتن و دوستي و اجتماع و هماهنگي بين مسليمن ديده نشده، مگر اينكه آنان را به آن دعوت نموده و امر كرده است.

روز جمعه، روز عيدي براي مسلمانان است كه در آن به ذكر و سپاس خـدا مشغول مى‌شوند، و در خانه‌هاي خدا اجتماع كرده از دنيا و گرفتاري‌هاي آن خود را دور مى‌نمايند تا فريضه‌اي از فرایض خدا را انجام دهند، و به توجيهات و سفارشات خطبا و ارشاد علما در خطبه‌هاي جمعه گوش فرا دهند، كه مانند درسي از دروس هفته مى‌باشد و امامان و خطیبان جمعه، مشکلات هفتگي جامعه را معالجه مى‌كنند.

خداوند مى‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٩ فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٠﴾ [الجمعة: 10]

 «اي مؤمنان، چون در روز جمعه براي نماز ندا داده شد، به (عبادت و) يادِ خدا بشتابيد و خريد و فروش را رها كنيد. اگر بدانيد اين برايتان بهتر است آنگاه چون نمازگزارده شود، در زمين پراكنده شويد و از فضل خدا بجوييد و خداوند را بسيار ياد كنيد تا رستگار شويد».

نماز جمعه بر هر مرد مسلمان و بالغ و آزاد و مقيم واجب است و رسـول خداص بر آن مواظبت كرده و كسانيكه آن را ترك مى‌كنند شديداً تهديد كرده است. چنانكه مى‌فرمايد:

**«لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ عَنْ وَدْعِهِمُ الْـجُمُعَاتِ، أَوْ لَيَخْتِمَنَّ اللهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ، ثُمَّ لَيَكُونُنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ»** [مسلم]

«بخدا قسم كه مردمي از ترك نماز جمعه باز مى‌آيند، يا اينكه خداوند بر قلب‌هاي آنها مهر ميزند و آنگاه آنان از غافلان و فراموش‌شدگان خواهند شد».

همچنين آن حضرتص مى‌فرمايد:

**«مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمَعٍ تَهَاوُنًا طَبَعَ اللَّـهُ عَلَى قَلْبِهِ»** [أحمد ودارمي وأبو داود وترمذي ونسائي وحاكم]

«كسيكه سه نماز جمعه را از روي تهاون و كسالت ترك كند، خداوند بر قلب او مُهر مى‌زند».

نماز جمعه بجز در مساجد صحيح نيست، آنجايي كه مسلمانان در آن جمع مى‌شوند و امام بر آن‌ها خطبه مى‌خواند و آنان را نصيحت و ارشاد مى‌نمايد، اين را هم بايد توجه داشت كه سخن‌گفتن در اثناي خواندن خطبه، حـرام است، حتي نمی‌توان کسی را امر به سکوت کرد.

نماز جمعه دو ركعت است و مسلمان پس از اقتدا به امام خود، با جماعت آن را انجام مى‌دهد.

\*\*\*

نماز جماعت

نماز جماعت بيست و هفت برابر نماز فُرادی (به تنهایي) فضليت دارد. اين حديث در صحيح بخاري از ابن عمرب از پيامبرص روايت شده است.

و در حديث ديگري آمده كه رسول خداص فرمودند:

**«لقد هممت أن آمر بالصلاة فتقام ثم أخالف إلى قوم في منازلهم لا يشهدون الصلاة في جماعة فأحرقها عليهم»**. [متفق عليه]

«همانا تصميم گرفتم كه دستور دهم اقامه نماز گفته شود و شروع به خواندن نماز كنند، سپس بطرف مردمي بروم كه در خـانه‌هايشان هستند و به جماعت حاضر نمى‌شوند، پس خانه‌هايشان را بر آنان آتش زنم».

اگر تخلف آنها از نماز جماعت، معصيت بـزرگي نبود رسول اللهص آنها را به سوزاندنِ خانه‌هايشان تهديد نمى‌كرد.

خـداوند مى‌فرمايد:

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣﴾ [البقرة:43]

«و نماز بر پاي داريد و زكات بپردازيد و با ركوع كنندگان ركوع كنيد».

نص صريح و واضحي است در وجوب مشاركت نماز گزاران در نماز جماعت.

\*\*\*

نماز مسافر

خداوند مى‌فرمايد:

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلۡعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٨٥﴾ [البقرة: 185]

«خداوند در حق شما آساني مى‌خواهد، و در حق شما دشواري نمى‌خواهد، و تا شمارِ(روزه) را كامل كنيد، و خداوند را به پاس آنكه هدايتتان كرد، بزرگ بداريد، باشد كه سپاس بگزاريد».

بلي، اسلام چنين است؛ هيچگاه كار دشواري بر عهده كسي نمى‌گذارد، مگر به اندازه استطاعت و توانایي شخص. او اوامري را كه بداند در حد تواناییِ آنان نيست واجب نمى‌كند. از آنجایي كه در سفر احتمال مشقت و سختي وجود داشت خداوند به دو چيز اجازه داده است:

1 ـ قصر (شکستن یا کوتاه‌کردن) نماز: كه نماز چـهار ركعتي به دو ركعت تخفيف مى‌يابد. پس اگر شما در سفر بوديد بايد نماز ظهر و عصر و عشا را به جاي چهار ركعت، دو ركعت بخوانيد؛ ولي نماز مغرب و صبح به حالت خود باقي مى‌مانند و در آنان قصر و تخفيفي نيست. قصر نماز، اجازه و هديه‌اي است از طرف خـداونـد به بندگان متقي و پرهيزگارش. خـداوند دوست دارد كه بنده همچنانكه واجبات او را انجام مى‌دهد، به موارد رخصت و تخفيف او نيز عمل نمايد. هيچ فرقي در نوع وسيله سفر نيست، خواه سفر با خودرو، هواپيما، كشتي و قطار باشد، و يا با اسب و شتر و قاطر و چهارپايان، و يا با پاي پياده؛ به همه اينها سفر گفته مى‌شود و در هر صورت، نماز به صورت قصر (شکسته) خوانده مى‌شود؛

2 ـ جمع بين دو نماز: براي مسافـر جـايز است([[5]](#footnote-5)) كه بين دو نماز در يك وقت جمع كند؛ یعنی نمازهاي ظهر و عصر را با هم، و نمازهاي مغرب و عشـا را با هم جمع مى‌كند. بدین صورت، هر دو نماز در يك وقت ادا مى‌شود، اما هر نماز، جدا از ديگري خوانده مى‌شود: اول نماز ظهر و بلافاصله نماز عصر را مى‌خواند، يا اول نماز مغرب و بعد از آن نماز عشا را ادا مى‌كند. البته بايد به خاطر داشت كه جمع بين نمازها، صرفاً به نماز ظهر با عصر، و نماز مغرب با عشا اختصاص دارد، بنابراين جمع‌كردن بين نماز صبح و نماز ظهر، و يا بين نماز عصر و نماز مغرب جايز نيست.

\*\*\*

ذکرهایی كه بعد از نماز گفته مى‌شود

سنت است كه بعد از نماز سـه بار استغفر الله بگويـد، و علاوه بر آن بگويد:

«**اللَّـهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْـجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ قَدِيرٌ، اللَّـهُمَّ لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الجَدِّ مِنْكَ الجَدُّ**»،

آنگاه، 33 سبحان الله، 33 الحمد لله و33 الله‌اكبر مى‌گويد، كه مجموعاً99 بار مى‌شود، و براي تكميل عدد(100) مى‌گويد:

**«لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ قَدِيرٌ»**.

سپس آيـة الكرسي﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞ...﴾ [البقرة: 255]، و ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١﴾ [الإخلاص] و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١﴾ [الفلق] و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١﴾ [الناس] را مى‌خواند. مستحب است كه سه سـوره گذشته را بعد از نمازهاي صبـح و مغرب سـه بار تكرار كنـد، و همچنين10 مرتبه بگويد:

**«لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ قَدِيرٌ»**.

البته تمام اين ذکرها، سنت بوده واجب نيست.

\*\*\*

سنت‌هاي راتبه

براي هر مسلمان مستحب است كه بر دوازده ركعت نماز سنت مواظبت كند، به شرطي كه مقيم باشد. این دوازده رکعت عبارتند از: چهار ركعت قبل از نماز ظهر، دو ركعت بعـد از آن، دو ركعت بعد از نماز مغـرب، دو ركعت بعـد از نماز عشا، و دو ركعت قبل از نماز صبـح. اما در وقت سفـر پيامبرص سنت‌هاي ظهر و مغرب و عشا و ترك مى‌كردند و بر سنت صبـح و نماز وتر([[6]](#footnote-6)) محافظت مى‌كردند. در نتیجه، بر ماست كه كردار رسول اللهص را اسوه حسنه خود بدانيم، چرا که خـداوند مى‌فرمايد:

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ﴾ [الأحزاب: 21]

«به راستي براي شما، در رسول خدا سرمشقي نيكوست»،

و گفتار رسول اللهص كه فرمودند:

«**صَلَّوْا كَمَا** **رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي**». [بخاري]

نماز بخوانيد همچنانكه مرا ديديد نماز مى‌خوانم.

**والله ولي التوفيق**

ترجمه‌ی نويسنده‌ی اين كتاب بطور مختصر

نويسنده اين كتاب دكتر عبدالله بن أحمد بن علي الزيد است كه در شهرك (الغاط) در سـال 1370هجري قمري ديده بدنيا گشود و در سال 1393هجـري قمري در دانشـگاه اسـلامي محمد بن سعود در ريـاض موفق به اخذ ليسانس شـد، و بعد از آن در سال 1406هجـري قمري موفق به اخذ دكتراه در همان دانشگاه گرديد. وی در حال حاضر در وزارتخانه شئون اسـلامي و أوقاف و دعـوت و إرشاد پُست معاونت مطبوعات و نشر در عربستان سعودي را بعهده دارد.

1. - (فاصله ميان معطوف به واو، به معطوف به فاء براى ترتيب است كه اول رو، ديگر دو دست شسته شوند، ديگر مسح سر شود، ديگر پا شسته شود، و آوردنِ شستنِ پا بعد از مسح سر براى اين است كه در شستن پا اسراف نباید در ريختن آب اسراف شود، زيرا براى شستنِ صورت و دو دست، آب در كف دست گرفته مى‌شود و اسراف نمى‌شود، اما در شستن پا و ريختن آب بر آن، امکانِ اسراف وجود دارد). [↑](#footnote-ref-1)
2. - و در نزد بعضى علماء و مذاهب اسلامى مانند مذهب أحناف وقت ظهر تا زمانى ادامه پيدا مى‌كند كه سايهء هر چيز علاوه از سايهء اصلى دو برابر شـود، = = اگر سايهء اصلى جـوان (1.5) مترى در وقت زوال (هنگاميكه آفتاب بالاى سر ايستاده) (20) سانتى متر بوده تا وقتى كه سايهء او سه متر و (20) سانتى متر شود وقت نماز ظهر ادامه دارد. (مترجم) [↑](#footnote-ref-2)
3. - نيت در قلب است، زيرا از رسول اكرمص ثابت نشده كه آن حضرت نيت را بر زبان آورده باشند، مگر نيت حج؛ همچنين از صحابه و ياران و تابعين هم ثابت نشده است. پس نيت كردن با زبان يك نوع بدعت به شمار مى‌رود. (مترجم) [↑](#footnote-ref-3)
4. - دعاى شروع كردن نماز «استفتاح»، دعایي است كه بعد از تكبير تحريمه و قبل از شروع به قرائت فاتحه در نماز خوانده مى‌شود و حكم آن، سنت است. [↑](#footnote-ref-4)
5. - بعضى از علما و مذاهب اسـلامى، بنابر اجتهادات فقهى، جمع‌كردن بين نمازها را در سفر جايز نمي‌دانند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-5)
6. - وتر يعنى فرد و تنها. نماز وتر از سنت‌هایی است که بر آن تأکید بسیار شده است و وقت آن، بين نماز عشـاء و طلوع فجر است؛ كمترينِ آن يك ركعت، ميانه آن سه ركعت، و بيشترين آن، يازده ركعت مى‌باشد. نماز وتر اول دو ركعت، و ركعت آخرى تنها خوانده مى‌شود، و درباره آن احاديث بسيارى آمده كه ما در اينجا فقط به دو حديث إشاره مي‌كنيم: پيامبرص فرمودند:

**«اجْعَلُوا آخِرَ صَلاَتِكُمْ بِاللَّيْلِ وِتْرًا»**

آخرين نماز شب خود را وتر قرار دهيد(متفق عليه)، و فرمودند:

**«أَوْتِرُوا قَبْلَ أَنْ تُصْبِحُوا»**

نماز وتر را بخوانيد قبل از اينكه شب را صبح كنيد (روايت مسلم).

 به اجماع علما و دانشمندان، نماز وتر هر وقت بعـد از نماز عشا تا طلوع فجر خوانده شود جايز است، البته در نزد بعضى علما، نماز وتر واجب است و سه ركعت آن با هم خوانده مى‌شود. (مترجم) [↑](#footnote-ref-6)